

برنہارد شفرز

مبانی جامعہ شناسی جوانان

ترجمہ

کرامت اللہ راسخ



نشرنی

شفرس، برنهارد، ۱۹۳۹ - م.
مبانی جامعه‌شناسی جوانان/ برنهارد شفرز؛ ترجمه کرامت‌الله راسخ. - تهران:
نشر نی، ۱۳۸۳.
ص. ۲۸۸

ISBN 964-312-729-X

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
عنوان اصلی:
واژه‌نامه.
کتابنامه: ص. ۲۵۱-۲۶۸؛ همچنین بصورت زیرنویس.
چاپ دوم: ۱۳۸۲.

۱. جامعه‌پذیری، ۲. جوانان، ۳. جوانان - آلمان. الف. راسخ، کرامت‌الله،
مترجم. ب. عنوان.
م ۲ / ش ۷ / HQ ۷۶۷ /
۱۳۸۳

۳۰۵/۲۳۱

م ۸۳.۶۲۶۵

کتابخانه ملی ایران



نشنونی

تهران، خیابان فاطمی، خیابان رهی معیری، شماره ۵۸، کد پستی ۱۴۱۳۷
تلفن: ۵۹ و ۸۰۰۴۶۵۸. صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۳۱۴۵
www.nashreny.com

دفتر فروش: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۵۱۲
تلفن: ۶۴۹۸۲۹۳، فکس: ۶۴۹۸۲۹۴
کتابفروشی: خیابان کریم‌خان، نیش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۹
تلفن ۸۹۰۱۵۶۱

Bernhard Schäfers

برنهارد شفرز

Soziologie des Jugendalters

مبانی جامعه‌شناسی جوانان

UTB, 1998

ترجمه کرامت‌الله راسخ

• چاپ دوم ۱۳۸۴ تهران • تعداد ۱۶۵۰ نسخه • لیتوگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-729-X

شابک X-۷۲۹-۳۱۲-۹۶۴

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

۹	پیش‌گفتار مترجم
۱۳	پیش‌گفتار چاپ ششم
۱۵	۱. پرسش‌های اساسی در جامعه‌شناسی و جوان به‌عنوان موضوع جامعه‌شناسی
۱۵	۱.۱. پرسش‌های اساسی در جامعه‌شناسی
۱۶	۲.۱. شناخت نظریه‌هایی در عرصه جامعه‌شناسی جوانان
۱۸	۳.۱. بدگمانی درباره مفهوم «جوانان»
۲۳	۲. مفهوم، تمایز و نهادینه‌شدن جوانان
۲۳	۱.۲. مفهوم جوان
۲۵	۲.۲. تقسیم دوره جوانی
۲۷	۳.۲. مفاهیم تکمیلی: نسل، همسالان، همالان
۲۸	۴.۲. نهادینه کردن و بهنجار کردن دوره جوانی
۲۹	۳. مقایسه ذهنی: مراسم تشریف، «جوانان» و فرهنگ بومی
۲۹	۱.۳. تشریف به‌جای کسب حقوق جزئی
۳۰	۲.۳. فرهنگ‌های بومی و اهمیت تشریف
۳۲	۳.۳. نمونه‌هایی از مراسم تشریف

۴. نظریه‌هایی در عرصه جامعه‌شناسی جوانان ۳۷
- ۱.۴. پرداختی نظام‌یافته به این نظریه‌ها ۳۷
- ۲.۴. نظریه سنخ‌شناسانه نسل‌ها ۳۸
- ۳.۴. نظریه کارکردگرایی-ساختاری ۴۳
- ۴.۴. نظریه‌های مارکسیستی ۴۶
- ۵.۴. نظریه‌های کنش در عرصه پژوهش جوانان ۴۷
۵. تاریخ اجتماعی جوانان به صورت مختصر ۵۱
- ۱.۵. جوانی در دوران باستان و سده‌های میانی ۵۲
- ۲.۵. جوانی در سده‌های هجدهم و نوزدهم میلادی ۵۵
- ۳.۵. جنبش جوانان ۵۹
- ۴.۵. ایدئولوژی زدگی و سیاست‌زدگی جوانان ۶۵
- ۵.۵. «نسل بدبین» و جنبش سال‌های ۶۰ ۶۶
- ۶.۵. تأثیرات جانبی جنبش اعتراضی جوانان ۷۰
- ۷.۵. سازماندهی دولتی جوانان: جوانان در جمهوری دموکراتیک آلمان ۷۲
۶. آمار جمعیتی جوانان و جوانان خارجی در آلمان ۷۹
- ۱.۶. کاهش سهم جمعیت جوان در ساختار جمعیتی کشور ۷۹
- ۲.۶. اطلاعات جمعیتی درباره ساختار سنین جوانی ۸۰
- ۳.۶. جوانان خارجی ۸۲
۷. نگاه به جوانان از دید انسان‌شناختی و زیست‌شناختی ۸۷
- ۱.۷. رشد و بلوغ جنسی ۸۷
- ۲.۷. رشد تحرک ۹۲
۸. روان‌شناسی رشد و دوران جوانی ۹۷
- ۱.۸. ویژگی‌های جوانان از دیدگاه روان‌شناسی رشد ۹۷
- ۲.۸. ویژگی‌های دیگر در دوره بازبایی «فردیت دوباره» ۱۰۱
- ۳.۸. روابط جنسی در سنین جوانی ۱۰۴
- ۴.۸. نقش‌های متفاوت جنس‌ها ۱۰۹

فهرست مطالب ۷

۹. هویت‌سازی در جامعه به‌سرعت در حال تغییر ۱۱۳
- ۱.۹. هویت‌سازی و ساختار جامعه ۱۱۳
- ۲.۹. جوانان و جست‌وجوی هویت ۱۱۶
- ۳.۹. مسئله پیدایش ایدئولوژیکی «من» ۱۱۸
- ۴.۹. هویت‌سازی و محیط اطراف ۱۲۰
- ۵.۹. دگرگونی اجتماعی و هویت‌سازی ۱۲۳
- ۶.۹. هویت‌سازی در جامعه فرامردن: نظریه فردگرایی ۱۲۸
- ۷.۹. در جست‌وجوی معنای جایگزین و هویت‌سازی: فرقه‌های جوانان ۱۳۱
۱۰. جایگاه جوانان در نهادهای اجتماعی ۱۳۷
- ۱.۱۰. خانواده به‌عنوان گروه مرجع برای جوانان ۱۳۷
- ۲.۱۰. جوانان در نظام آموزشی مدارس ۱۵۱
- ۳.۱۰. جوانان و دوره‌های کارآموزی و نگرش آنها درباره فناوری ۱۶۰
- ۴.۱۰. دین، کلیسا و جهان‌بینی‌ها ۱۶۸
۱۱. دیدگاه‌های سیاسی و الگوهای رفتاری: رادیکالیسم و افراطی‌گری ۱۷۷
- ۱.۱۱. دیدگاه‌ها و رفتارها ۱۷۷
- ۲.۱۱. علایق سیاسی و اعتبار مؤسسات ۱۷۸
- ۳.۱۱. تمایل به افراطی‌گری، رادیکالیسم و تروریسم ۱۸۰
- ۴.۱۱. جامعه مدنی و به‌کارگیری قهر توسط جوانان ۱۸۱
- ۵.۱۱. رشد نگرش‌ها و الگوی رفتاری راست افراطی در آلمان ۱۸۴
۱۲. فرهنگ و شبه‌فرهنگ جوانان ۱۸۹
- ۱.۱۲. شفاف کردن مفاهیم ۱۸۹
- ۲.۱۲. تمایزات فرهنگ جوانان در دهه ۶۰ ۱۹۳
- ۳.۱۲. شبه‌فرهنگ به‌عنوان فرهنگ پرکردن وقت آزاد ۱۹۴
- ۴.۱۲. فرهنگ موسیقی در بین جوانان ۲۰۱
- ۵.۱۲. گروه‌های همسال به‌عنوان شبه‌فرهنگی پنهان ۲۰۷
- ۶.۱۲. سازمان‌یافتگی جوانان و کار اجتماعی با جوانان ۲۱۲
- ۷.۱۲. جوانان و ورزش ۲۱۶

۲۲۳	۱۳. الگوهای رفتار انحرافی در بین جوانان
۲۲۳	۱.۱۳. شفاف کردن مفاهیم
۲۲۵	۲.۱۳. سنین جوانی و انحرافات
۲۲۷	۳.۱۳. نظریه‌هایی درباره رفتار انحرافی
۲۳۱	۴.۱۳. مصرف مواد مخدر و الکل توسط جوانان
۲۳۵	۵.۱۳. جرائم جنایی جوانان
۲۳۹	۱۴. سخن آخر، سده جوانان؟
۲۴۳	فرهنگ واژگان
۲۵۱	کتابنامه
۲۷۱	واژه‌نامه آلمانی-انگلیسی-فارسی
۲۷۵	واژه‌نامه انگلیسی-فارسی
۲۷۹	نمایه

www.ketaboo.com

پیش‌گفتار مترجم

بس طور عجب لازم ایام شباب است
حافظ

جامعه ما، جامعه جوانی است. بیشتر افراد جامعه ایرانی را جوانان زیر سی سال تشکیل می‌دهند، بنابراین جوانان یکی از چالش‌های اساسی جامعه ایرانی هستند. به‌رغم این واقعیت، جوانان کمتر موضوع بررسی‌های علمی، به‌ویژه جامعه‌شناختی بوده‌اند. درحالی‌که در دانشگاه‌های ما، به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی، دروسی با عنوان‌هایی چون «جامعه‌شناسی جهان سوم»، «جامعه‌شناسی توسعه»، «جامعه‌شناسی آموزش و پرورش»، «جامعه‌شناسی انقلاب» و غیره تدریس می‌شوند، جوانان موضوع هیچ‌یک از دروس دانشگاهی نیستند. جوانان نه تنها در عرصه پژوهش‌های علمی و دانشگاهی نادیده گرفته می‌شوند، بلکه جامعه و مقامات، صرف‌نظر از برخی شعر و شعارها، به‌سادگی از کنار آنها می‌گذرند. گاهی انسان تمایل دارد، این نظر را بپذیرد که جامعه ما، جامعه‌ای شرقی و پیرسالار است. کهنسالان در تمامی عرصه‌های اجتماعی سلطه بی‌چون‌وچرای خود را گسترده‌اند و تمایلی به بهره‌گیری از جوانان، بجز به‌عنوان خدمتکاران و پیشخدمتان صدیق ندارند، و به‌قول مولوی این «چرخ اخضر» است که ما تصویر آن را در «بحر

خضرا» می‌بینیم.^۱ اما گاهی گرایش‌های سنتی و حتی واقعیت‌های اجتماعی بازمانده از گذشته، ابزار کارآمدی برای رویارویی با مسائل امروز نیستند. جوانان در تمام عصرها و نسل‌ها دشواری‌های عصری جامعه‌ها بوده‌اند و جامعه ما نیز از این قاعده مستثنا نیست، بنابراین دشواری‌های آنها، پاسخی امروزی می‌طلبند.

در جامعه ما دیدن مسئله جوانان نیازی به حساسیت‌های ویژه یا تیزبینی‌های علمی ندارد. میلیون‌ها انسان جوانی در سطح جامعه سرگردان هستند. به هر سوراخی سرک می‌کشند، به هر دری می‌کوبند، تا کوره‌راهی به دنیای زندگی یک انسان معمولی بیابند. تا شغلی، سرپناهی و همسر و همراهی بیابند. مانع دشوار کنکور را پشت‌سر می‌گذارند، به دانشگاه‌ها می‌آیند، به امید آنکه «چراغ راه آینده» آنها باشند. وقتی از درون ناامید می‌شوند، خطر می‌کنند و به کشورهای دیگر پناه می‌برند، این خطر را به قول حنظله بادغیسی^۲، نه برای مهتری، که برای دستیابی به حداقل‌های زندگی می‌کنند. در غربت، با غم تنهایی، بی‌کسی، بی‌چیزی، ناچاری، با جامعه‌ای نامهربان، نامأنوس و سخت آشنا از روی اجبار سازگاری می‌کنند. از آنجا که از جامعه‌ای مسلمان می‌آیند، انگ می‌خورند و تهمت می‌شوند، اما کاری جز سکوت نمی‌توانند انجام دهند. اگر بر این جوانی کردن، به قول عراقی «به دو دیده خون نشانیم»، پس به کدام مذهبیم ما، به کدام ملتیم ما. اما ما به همان «ملتیم» و به همان «مذهبیم» که عراقی دوست نداشت باشیم. ما از کنار همه این بدبختی‌ها می‌گذریم و تنها نگرانی‌مان این است که چرا جوانان ما «قرتی» شده‌اند، زیر ابروهای خود را برمی‌دارند، به ارزش‌ها پایبند

۱. خوی شاهان در رعیت جا کند

چرخ اخضر بحر را خضرا کند

۲. مهتری گر به کام شیر در است

شو خطرکن ز کام شیر بجوی

یا بزرگی و عز و نعمت و جاه

با چو مردانت مرگ رویاروی

نقل از نظامی عروضی سمرقندی، چهار مقاله به اهتمام محمد معین، چاپ هشتم، تهران،

انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۲۲.

نیستند، حرف بزرگ‌ترها را نمی‌خوانند، دختران جوان ما از خانه فرار می‌کنند. اما وقتی به کتابخانه‌ها می‌روی، شش ماه می‌گرددی، می‌بینی، حتی یک کتاب در زمینهٔ جامعه‌شناسی جوانان نه تألیف و نه ترجمه شده است. پس ما به چه کسانی انگ می‌زنیم. به کسانی که نمی‌شناسیم و آنها نیز نه ما را می‌شناسند و نه میل دارند بشناسند، چون در چهره‌های ما تصویر تمام بدبختی‌های واقعی یا خیالی خود را می‌بینند.

صرف‌نظر از تمام این «انحرافات»، کافی است عمیق‌تر به آنها نگاه کنیم و گذران زندگی آنها را با جوانان همسن و سال آنها در آن طرف آبها مقایسه کنیم، از یک طرف بی‌اختیار یاد این جملهٔ حاج سیاح می‌افتیم، که «اینها کیستند و ماها کیستیم»، از طرف دیگر، از میزان توانایی، صبر و شکیبایی‌های آنها حیران می‌مانیم، از صمیم قلب شادمان می‌شویم که این سرزمین را به کسانی واگذار خواهیم کرد که هزار برابر بهتر از ما هستند و این جملهٔ ایمانوئل کانت را زیر لب زمزمه می‌کنیم: «خداوندا، اکنون بگذار تا بنده تو بیارامد، زیرا دیدگان من سلام و رحمت تو را دیدند.»^۲

ترجمهٔ این اثر، در مسیر آرزو برای شناخت بهتر جوانان است. لازم است از آقای محمدکاظم ادراکی که ترجمه را بازخوانی کردند و آقای افشین جهاندیده از نشر صاحب معرفت نی که زمینهٔ انتشار آن را فراهم کردند، تشکر کنم.

۱. «حیران آن قوم و حرکات ایشان بودم که به چه درجه طالب خوشحالی مخلوق هستند و درضمن این عیش تمام مردم را تربیت می‌نمایند، اینها کیستند و ماها کیستیم...» حاج سیاح، محمدعلی، ۱۳۶۳، سفرنامهٔ حاج سیاح به فرنگ، به کوشش علی دهباشی، چاپ اول، تهران، ص ۲۹۱.

۲. نقل بالا را از سنجش خرد ناب ترجمهٔ میرشمس‌الدین ادیب‌سلطانی صفحهٔ XIII برداشته‌ام. منبع اصلی ویل دورانت است. دورانت، ویل، ۱۳۵۰، تاریخ فلسفه، ترجمهٔ عباس زریاب خونی، چاپ سوم، تهران، نشر دانش، ص ۲۶۷.

پیش‌گفتار چاپ ششم

مبانی جامعه‌شناسی جوانان که هم‌اکنون با تجدیدنظر و بازبینی برخی مطالب، ششمین ویراست آن را در برابر خود دارید، کوششی برای فهم بهتر مسائل امروز جوانان، برای فهم «جوانی» به صورت فرایندی مستقل در زندگی و سرانجام برای پذیرش جوانان به عنوان گروه اجتماعی است.

مطالب این کتاب به طور عمده جوانان ۱۲ تا ۱۸ ساله را در نظر دارد. دوره‌ای که به همراه دوره «فرا بلوغ» مرحله مستقلی را در زندگی انسان امروزی تشکیل می‌دهد. ما در اینجا قصد بررسی دوره «فرا بلوغ» را نداریم. این دوره باید موضوع پژوهشی جداگانه باشد.

نظریه‌های گوناگونی درباره دوره جوانی وجود دارند؛ از جمله نظریه‌ای که معتقد است، دوره جوانی را نمی‌توان به عنوان دوره‌ای مستقل در حیات انسانی موضوع پژوهش قرار داد، چون ساختار اجتماعی جوانان، ساختاری مشابه ساختار کل جامعه است، بنابراین واکاوی جوانان باید در چارچوب پژوهش کلی جامعه انجام گیرد. این نظریه محدودیت‌هایی را بر سر راه پژوهش جوانان ایجاد کرده است. اما ما در اینجا برخلاف نظریه بالا، جوانان را به عنوان گروهی مستقل واکاوی کردیم.

همان‌طور که لازمه یک کتاب مبانی است، واژه‌های اساسی را در واژه‌نامه

و در متن شرح داده‌ایم. نمایه و اشارات، بهره‌برداری از منابع دیگر را امکان‌پذیر کرده‌اند.

در تجدیدنظر این کتاب من از یاری روجر هیسلینگ بهره برده‌ام و از او به این خاطر سپاسگزارم.

برنهارد شفرز

کارلسروه، ژانویه ۱۹۹۸

www.ketab.ir